

## ۴۵. کارگزاری انسان

بزرگترین فکری که باید بمنز شخص خطور نماید مسؤلیت فردیش در برابر خداست. هر کس، فقیر و غنی، کوتاه و بلند می باید حساب اعمال خود را بخداوند پس بدهد. اگر ممکن باشد لحظه ای خود را در پیشگاه دادگاه خالق تصور نمائید. صدها میلیون فرشته شما را نظاره می کنند و به حرفهای شما گوش کرده جواب شما را میشوند. شما تنها در برابر داور عادل ایستاده اید و منتظر جواب نهائی می باشید.

منظره بسیار مهیبیست. خداوند حساب کارهای شما را می خواهد - حساب هر کلمه، هر تصور، هر کار، هر غفلت و فرصت از دست رفته، طرز کاربرد استعدادهایی که بشما سپرده شده است و تأثیری که در اطرافیان خود گذاشته اید را باید پاسخ بدهید. سائهایی را که خدا بشما داده چگونه گذرانیده اید؟ در این صحنه دیگران را نمی توانید مقصر اعمال خود بحساب آورید، یا با پرداخت رشوه از مسؤلیت خود شانه خالی کنید. هیچ عذر و بهانه ای پذیرفته نخواهد شد. خداوند جواب صحیح از شما می خواهد، زیرا که از کارهای بیپوده شما بخوبی آگاهست.

آیا این موضوع باعث وحشت و نگرانی شما نمی شود؟ جواب این سؤال بستگی به مفهومی که نسبت به کار خود در دنیا دارید خواهد داشت. در این جهان چه نقشی دارید؟ نقش کارفرما یا کارگزار را؟ این دو کلمه را مختصراً شرح میدهیم. کارگزار کسی است که بر منزل یا دارائی دیگری نظارت دارد. کار فرما یا صاحب،

کسی است که حق تصاحب و قبالة مالکیت دارد. با این وصف آیا شما صاحب هستید یا کارگزار؟ آیا کارگزاری هستید که خداوند را مالک و صاحب همه چیز می دانید؟ آیا خود را چون شخصی می دانید که باید از تمام جزئیات زندگی خود به پروردگار گزارش دهید؟

از طرف دیگر آیا خود را صاحب املاک و دارائی که در اختیارتان است مییندازید؟ آیا فکر می کنید حق تصاحب چیزهایی که در دست است را دارید؟ اگر واقعاً مالک اموال خود هستید بنابراین باید مسؤلیت نگهداشتن آنها را نیز داشته باشید.

صاحب کارخانه باید مواظب امنیت دارائی خودش باشد. حفظ اشیاء را خود بعهده گرفته و از سرقت و آتش سوزی و نوفان و سیلاب و خسارات مختلف جلوگیری کند. اگر صاحب هستید بنابراین مسؤلیت خانواده خود را نیز باید بعهده بگیرید. فرشته نگهبان خود را هم بایستی تعیین و همچنین عاقبت خود یعنی عمر جاودانی را نیز برای خود تعیین کنید.

از طرف دیگر هم اگر کارمند شرکتی باشید اعتماد به صاحب شرکت داشته باشید که تمامی اصول اداری را رعایت کنید. شخص در حقیقت به خداوند توکل دارد زیرا او حافظ تمام جزئیات زندگی است. و بویژه به خداوند توکل داریم که حافظ جان ماست و در پایان دوران حیات در این دنیا انتظار داریم که برای حیات آینده نیز کارگزار خود را پاداش دهد.

در موضوع کارگزاری کمی بیشتر دقت کنیم. برخی خیال میکنند که مسؤلیت انسان بیشتر از دادن عشر و خمس و هدایا بفقراً نیست. ولی دادن عشر و خمس تنها بخشی از وظائف ملموس کارگزار میباشد و دلیل بی ریائی آن. وظائف کارگزار چیزی بیشتر از دادن ذکات و هدایاست و در عهد و پیمان با خداوند خلاصه میشود. یک نفر کارگزار، خداوند را صاحب همه اموال می داند و هر چه امین تر باشد اموال بیشتری باو سپرده خواهد شد. در امور روحانی خود را وسیله ای در دست خدا میدانند تا جهانیان را از مسائلی که در برنامه گذشته ملاحظه کردیم رهائی دهد. در این صورت خداوند را صاحب، و خود را کارگزار میدانند.

کارگزاری در امور الهی، یک امتیاز بزرگ و در عین حال یک مسؤلیت مهم است. هر شخص مقام مخصوصی در نقش ابدی که خداوند برای هر کس ترسیم نموده دارد که باید آن را تصاحب کند. بعهده گرفتن آن مقام مشروط به وفاداری ما نسبت به خداوند میباشد. ای کاش هر فردی از مردم این دنیا میتواند آن نسبت به وظیفه ای را که خداوند برای او تعیین نموده در یابد و با راهنمایی خداوند آن را اجرا کند. در برنامه بعدی طرز دست یافتن به آن نقشه را برای شما روشن خواهیم کرد.